



جوانان و دگرگونی چاپ شد

کتاب مهم و مؤثر «الشباب والتغيير» نوشته دانشمند مشهور عرب زبان، استاد فتحی یکن که اخیراً توسط محمود محبوبی استاد و معاون تدریسی دارالمعلمین عالی غور تحت نام «جوانان و دگرگونی» از زبان عربی به فارسی ترجمه شده است به زیور چاپ آراسته گشت. این کتاب در 62 صفحه و با قطع و صحافت و طرح زیبا و جلد رنگی به کمک مالی «انجمن اصلاح» در کابل طبع گردیده است. جوانان و دگرگونی که اولین ترجمه استاد محبوبی می باشد در آید و آینده های روشنی را برای نسل های جدید نوید می دهد. استاد محبوبی همین اکنون ترجمه کتابی دیگری را تحت نام «تسامح الاسلام و تعصب خصومه» زیر کار دارد که امید می رود همه ما، در آینده های نزدیک شاهد چاپ آن باشیم. دوستان می توانند، رساله جوانان و دگرگونی را در کابل از (و در ولایت غور از کتاب فروشی عبدالله واقع سرپل چنچران به دست بیاورند.



چشم دید های من از مالیزیا

استاد محمود محبوبی

مالیزیا یک کشور اسلامی است که در جنوب شرق آسیا موقعیت دارد. طرز حکومت آن فدرالی بوده و دارای 27 میلیون نفوس و حدود 32984 کیلومتر مربع مساحت می باشد. هفتاد درصد مردم آن را مسلمانها تشکیل می دهند که از مذهب امام شافعی پیروی می کنند. من در سال جاری در یک بورسیه تحصیلی کوتاه مدت، از طرف وزارت معارف و دارالمعلمین عالی غور مدت سه و نیم ماه در این کشور بودم که می خواهم بخشی از چشم دید های خود را با شما شریک نمایم. در بخش معارف:

سیستم معارف مالیزیا **Co Education** یعنی دختر و پسر در مکاتب به شکل مخلوط بوده و از سنین سه سالگی الی هفت سالگی اکثر اطفال شان در کودکستان های دولتی و خصوصی مصروف تعلیم و تربیه هستند که برای کودکستان هم نصاب تعلیمی جدا گانه وجود دارد.

در تمام مکاتب آن کشور از ساعت 8 صبح تا چهار بعد از ظهر به طور دو هفته تدریس می باشد که در یک روز حدود شش ساعت نجومی درس خوانده می شود. ساعت های درسی نظر به حجم و محتوای مضمون تفاوت دارد. مضامین ساینسی غالباً از پنجاه تا شصت دقیقه را احتوا می نماید.

کشور مالیزیا نصاب تعلیمی خود را بیشتر از کشورهای مرفقی تر و رو به انکشاف اخذ می نمایند که منافی فرهنگ ملی آنها نباشد. نصاب تعلیمی نظر به وقت و زمان قابل تغییر است تا مطابق عصر جدید عیار گردد. در نصاب تعلیمی در بخش تعلیمات اسلامی از مصر و دیگر کشورهای اسلامی پیروی صورت می گیرد.

موضوع جالب و قابل ذکر که اسلام و قرآن هم به آن ارزش قابل شده و تاکید می کند، پا بندی به وقت است. واقعاً به طور عموم مردم مالیزیا وقت شناس و پا بند وقت هستند. مدتی را که در آن کشور سپری نمودم، مشاهده می کردم که استادان، بیشتر اوقات بیست دقیقه بیشتر از آغاز ساعت درسی، وارد صنف گردیده و محصلان و شاگردان در وقت تعیین شده در صنف حاضر می شدند. متأسفانه ما و شما در این قسمت توجه کمتر داریم. موضوع دیگر اینکه در آنجا ساعت درسی به هیچ وجه ضایع یا کنسل نمی شد؛ حتی اگر یک استاد احیاناً مشکلی عمده ای می داشت شخص دیگری به جای او گماشته می شد تا ساعت درسی شاگردان هدر نرود.

استادان همه روزه با پلان منظم درسی وارد صنف می شدند و از میتود های مختلف در ساعت درسی استفاده می نمودند. عموم باشندگان آن کشور به ویژه استادان و شاگردان از اخلاق عالی و پسندیده ای برخوردار بودند. آنها همیشه نرم دل، حلیم، بردبار و خوش خلق بودند؛ طوری که واقعاً روش و طرز برخورد آنها انسان را تحت تأثیر قرار می داد. استادان با شاگردان مهربان و همکار بودند، در صنف بیشتر از روش شاگرد محوری کار گرفته می شد.

اکثر مردم آن کشور از جمله استاد و شاگرد هر یکی به وظیفه خود آن قدر مصروف بودند که در حقیقت اصلاً فرصتی به کارهای ناشایسته وید پیدا نمی شد. در دور ترین مکاتب اطراف جهت مشاهده رفتیم، که هر مکتب در آن دور دست ها هم به اندازه دانشگاه های کشور ما مجهز بودند و هر نوع امکانات در دست داشتند. مشت نمونه خروار موضوعاتی را مختصراً خدمت شما عرض نمودم، اکنون شما قضاوت و مقایسه نمایید که چه تفاوت های را مشاهده می کنید.

اما، استادان محترم و شاگردان عزیز! دست اندر کاران عرصه معارف! بیاید همگی ما و شما با هم هر کس به حسب توان و صلاحیت خویش به اولاد این وطن و به آینده این مردم دل بسوزانیم، احساس مسوولیت نماییم، ببینیم مردم به کجا رسیده اند و ما، در کجا قرار داریم؟ به قول شاعر: هفت شهر عشق را عطار گشت / ماهنوز اندر خم یک کوچه ایم!

دانش و بزرگی انسان

الحاج غلام سخی حبیبی

خداوند منان که با رحمت و عظمت بی پایانش و با قلم صنعش موجودات جهان آفرینش را رقم زد. سرتاج موجودات عالم هستی انسان را قرار داد و به واسطه همین موجود بزرگ و باتجلی مظاهر قدرتش در وجود هستی این گوهر زیبای جهان خلقت، یعنی انسان کمالات، صفات، و عظمت ذات کبریایی اش را متجلی گردانید و او را معرفت شناخت و عبادت خویش شرف و عزت بخشید و انسان را خلیفه و جانشین خود در روی زمین انتخاب فرمود و به تاج «ولقد کرّمنا بنی آدم» مفتخرش گردانید.

در اینجا به وسیله فهم و دانش، برتری انسان به اثبات می رسد و هم به وسیله علم و دانش و خرد و عقل است که انسان خود را می شناسد و هم به معرفت خالق خود آگاهی حاصل می نماید. به همین منظور است که اولین پیام الهی برای سرور کائنات، خواندن و نوشتن و تعلیم به علم و قلم است. (سوره مبارکه اقرء) پس جای فراگیری این ارزش ها و محل فیض این موهبات بزرگ الهی کجاست؟ بدون شک که مکتب و مدرسه می باشد. بشریت راه کمال و

معنویت را از طریق منابر، مساجد، مکاتب، مدارس و دانشگاه ها پیموده است و به اوج تمدن و عزت رسیده است. انسانی که به وسیله یکی از علوم در راه تکامل قدم گذاشته است به حرمت و برکت نعمت سواد و دانش حتما پاداشی در یافته است. خوب است که از زبان عارف بزرگ حضرت مولانا بلخ هم مطالبی در رابطه به بزرگی انسان بشنویم - آن هم از صفات، سجایا و سیمای باعظمت انسان برگزیده پرودگار حضرت محمد (ص) - مولانا می فرماید:

روزی حضرت محمد (ص) برای حضرت جبرئیل (ع) که به سیمای یک انسان نورانی به حضور آنحضرت می آمد فرمود: «یاخی جبرئیل! آرزو دارم یک مرتبه شما را به سیمای حقیقی ملکوتی ببینم.» حضرت جبرئیل به سیمای زیبای

ملکوتی در آمد و بالهایش شرق و غرب عالم را فراگرفت. بادیدن این حالت، یک لمحّه حضرت پیامبر فرو رفتند و بعد به زودی به حال آمدند. مولانا می

فرماید: حضرت جبرئیل هم می خواست همین تقاضا را بکند و از رسول خدا بخواهد که به سیمای اصلی رسالت جلوه نمایند؛ اما حضرت جبرئیل جرأت این سوال را نکرد. مولانا می فرماید: اگر حضرت جبرئیل این خواهش را از پیامبر

می نمود و سیمای حقیقی رسالت را مشاهده می کرد، جبرئیل تا قیامت بیهوش می ماند.

گرگشادی احمد آن پر جلیل / گشتی بی هُش تا قیامت جبرئیل

این همه بزرگی و عظمت انسان برگزیده عالم بشریت، حضرت محمد مصطفی (ص) را می رساند در جای دیگر آنحضرت می فرماید: «هر کس که از فیض و برکت علمش بردیگران نفع برساند تمام موجودات عالم حتما ماهی های دریاها هم بر او طلب مغفرت می کنند» پس مکلفیت مسلمانان و آنانی که خود را پیرو دین مقدس اسلام می دانند ساختن فضای سالم آموزشی و فراگیری علم و دانش است تا که مطابق حکم پرودگار و ارشادات سردار عالم انسان به مقام اصلی خود برسد.

اگر به خاطر مردم زندانی شوم خوشحال هم می شوم!

اوضاع عربستان قبل از اسلام

نجیب الله احسان مدیر نشرات ریاست معارف

قبل از ظهور دین مبین اسلام مردم عربستان و عده ای زیادی از کشورهای جهان به خرافات و شرک عقیده داشتند. در عربستان قبل از اسلام، هر قبیله برای خویش بُت های می ساختند و آنها را پرستش می کردند و العیاذ بالله آنها را خدا می نامیدند و به عقیده خویش به موهومات و جادوگری ارزش فراوان می دادند. آنها از لحاظ اجتماعی در حالت بی عدالتی، جهل و نادانی زندگی می کردند. بریکدیگر اعتماد و باور نداشتند، با غلامان خویش برخورد غیر انسانی می نمودند، طبقه انانث از هرگونه حقوق انسانی و بشری محروم بودند و تعدادی زیادی از خانواده ها، دختران نوزاد خویش را زنده به گور می کردند. در میان قشر غنی و پولدار، فساد و انحرافات اخلاقی رواج داشت. قمار و شراب خوری، عادت روزمره اشراف زاده ها شده بود و برای به دست آوردن مال و منال هرگونه عمل غیر انسانی و اخلاقی انجام می یافت. قوانین فقط برای دفاع از حقوق زورمندان وضع شده بود و آنها قوانین وضع کرده خویش را برضد مظلومان و ناداران به کار می گرفتند. مطابق قوانین مروّج آن زمان زورمندان و سران قبایل از مصونیت های برخوردار بودند و حقوق خویش را بر بنیاد قرار داد های عقد شده حاصل می نمودند. احترام در میان اعضای قبایل نیز بر بنیاد قرارداد قبیله ای بود. آنهایی که عضویت قبیله را نداشتند، از هیچ نوع حقوق و امتیازی برخوردار نبودند و تجاوز بر حقوق و اموال شان جایز دانسته می شد.

دین مبین اسلام از جانب خداوند (ج) توسط نبی کریم حضرت محمد مصطفی (ص) برای از بین بردن همه این خرافات، نابسامانی ها، ظلم ها، جاهلیت ها و انحرافات اخلاقی و اجتماعی برای همه انسانهای کره زمین نازل گردید. حضرت خاتم النبیین مردم را به وحدانیت دعوت کرد، شرک و عبادت بت های ساخته شده انسانها را منع قرار داد. عدالت اجتماعی و برابری و برادری را میان مردم به وجود آورد. زنده به گور کردن دختران و تعرض بر حقوق انسانی را از میان برداشت. بنا بر این می توان گفت که دین مبارک اسلام، آن دین کامل خداوندی است که از جانب الله (ج) برای اصلاح و تنویر همه انسانهای روی زمین توسط حضرت محمد رسول خداوند (ج) ارایه گردیده است و تا قیامت ادامه خواهد داشت.

سواد آموزی و اهمیت آن در حیات بشر

محمد نصیر نصرت

انسان موجودی متفکر است و خداوند متعال در قرآن مجید وی را اشرف مخلوقات خطاب کرده است. این آفریده پروردگار برای معرفت خالق و مخلوق، بنا بر نیاز دانش می تواند حقایق حیاتی را بر وجایب انسانی به کمال برساند. لذا برای هر انسان آموزش سواد که فریضه اسلامی، و جیبه ملی و رسالت تاریخی و اجتماعی است، ضرورت عینی بوده و رب العزت در آیه شریفه «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم» نشان داده تا همه انسان ها به نور علم و دانش، راه های مثبت و حقیقت را دریابند. همین طور پیامبر بزرگوار اسلام در یک حدیث مبارکه فرموده است که «علم بجوید اگر به چین هم باشد» و بر اساس فرموده دیگر آن بزرگوار حضرت شیخ سعدی در شعر خود مضمون حدیث را چنین بیان کرده است که: چه خوش گفت پیغمبر راستگوی / ز گهواره تا گور دانش بجوی.

سواد اساس علم و دانش بوده که از طریق تعلیم و تعلم هر مرد وزن به خواندن، نوشتن و حساب کردن مسیر بهبود حیات را درمی یابد و مشکلات ناشی از بیسوادی و جهل را می زداید. مردم افغانستان که در گذشته سالیان متمادی به اثر تسلط و تهاجم بیگانه ها در زیر چکمه های ظالمانه و محافل ارتجاعی قرار داشتند و دروازه های آموزش به روی شان مسدود بود، از نعمت سواد محروم و در ورطه تاریکی قرار داشتند. خوشبختانه در این مقطع زمانی که زمینه فراگیری سواد به توجه دولت و همکاری جامعه بین المللی مساعد گردیده، هر موطن ما می تواند تا به آموزش سواد با علاقه مندی فراوان سهم گرفته و علیه بیسوادی - این مرض مهلک و فقر آفرین - جداً مبارزه نماید و نام منفور بی سوادی را از خود، از فامیل و از جامعه دور سازد و راه رفاه و سعادت دارین را به روشنی و لمعه های پر فروغ دانش دریابد.

محمد حسن حکیمی یک تن از جوانان فعال، زحمت کش و فداکار ولایت غور می باشد. او در سال 1365 در حومه فیروزکوه (چغچران) در منطقه نور کوه در یک خانواده مجاهد و متعهد و در سنگر جهاد چشم به دنیا گشوده است. حکیمی مکتب را تا صنف یازدهم در لیسه (دبیرستان) سلطان شهاب الدین غوری به پیش بُرده و سپس به مدت یک سال در انستتوت افغان- کوریا در کابل تحصیل کرده است.



او در حال حاضر در صنف دوم رشته اجتماعیات در دارالمعلمین عالی غور درس می خواند. حکیمی از سال 1387 به این سو، ریاست دفتر ولایتی ارگان ملی و اجتماعی جوانان افغانستان را در غور به عهده دارد و در نهاد های مدنی بسیاری خدمت کرده است. او در تأسیس بنیاد جوانان وطن به عنوان عضو نقش داشته است و همچنان در رادیو صدای عدالت، خبرگزاری وقت، مرکز تداوی معتادین، کمیسیون مستقل انتخابات در سال 88 و کمیسیون شکایات انتخاباتی در انتخابات پارلمانی 1389 وظیفه اجرا کرده است. حکیمی ضمن آنکه عضو کمیسیون مرکزی جامعه مدنی در کابل می باشد، در حال حاضر علاوه بر کارهای دیگرش در خبرگزاری پژواک نیز به حیث خبرنگار کار می نماید. او خوش دارد با مردم کار کند و لذا کارهای فرهنگی و مدنی و اجتماعی را بر وظایف دولتی ترجیح می دهد و می گوید اگر به خاطر حقوق مردم زندانی هم بشود، مایه خوشحالی وی می باشد. حکیمی که به رسامی و نقاشی خیلی علاقه دارد و از میان ورزش ها فوتبال را دوست دارد، از موسیقی ترازیک لذت می برد و زمانی که نوبت به خوردنی ها برسد از «متنو» و «قهوه» یاد می کند. از او می پرسیم از انجام کدام کارها لذت می بُرد و چه کارهای را دوست دارد اجرا نماید؟ در پاسخ می گوید: «زمانی که به نفع مردم کاری کنم و تلاش می نمایم تا از حقوق ضایع شده ای آنها دفاع کنم و آنها مرا تشویق می کنند واقعاً لذت می برم و خوشحال می شوم.» سپس ادامه می دهد که: «هیچ وقت نمی خواهم منفعت شخصی خودم را بر منافع جامعه ترجیح بدهم. پول را دوست ندارم، خوش دارم ساده زندگی کنم، ساده لباس بپوشم و ساده غذا بخورم. من به برابری زن و مرد در عرصه های مختلف کاری اعتقاد محکم دارم و بسیار خوشحال می شوم که مورد اعتماد دوستان و وطنداران خود باشم. من واقعاً از خشونت نفرت دارم و دوست دارم که بتوانم در رابطه به فرهنگ محلی مردم غور کار نمایم. همچنان می دانم که بعضی رسم و رواجها و مراسم ناپسندی در فرهنگ ما راه یافته است (مانند ازدواجهای اجباری، مهریه گزاف و کمرشکن، نامزادی های زود هنگام و غیره) که می خواهم جداً با آنها مبارزه کنم و در راه اعاده حقوق انسانها مؤثر واقع شوم. از حکیمی پرسیدیم که زندگی را چه گونه تعریف می کند؟ او در جواب می گوید: «به نظر من زندگی یعنی کار و کار و کار» در حقیقت حکیمی از کار کردن خیلی لذت می برد و می گوید مهم نیست که چه کاری انجام می دهد، فقط خوش دارم کار کنم و کارکنم تا ثمره و نتیجه کارهایم برای کشور و هموطنانم رفاه و آسایش بیاورد و بدبختی های جامعه ما را کمتر سازد. پیش از اینکه فراموش کنیم باید علاوه کرد که حکیمی مهمانی رفتن و مهمانی خوردن را هم بسیار خوش دارد؛ اما ترجیح می دهد که این مهمانی ها بسیار ساده باشد و نباید باعث اذیت و زحمت خانواده ها شود. زمانی که از حکیمی در مورد سیاست پرسیدیم و خواستیم بدانیم که آیا او میل دارد در آینده مثلاً به حیث نماینده مردم وظایف رسمی داشته باشد؟ او در پاسخ گفت که: «بلی دوست دارم؛ اما ترجیح می دهم زمانی وارد اینگونه کارزارها شوم که سطح سواد و آگاهی مردم بالا برود و آنها توانایی تمیل اراده خویش را به دست آورده باشند و بتوانند مستقلانه تصمیم بگیرند. حکیمی هر چند بیشتر اهل عمل و اهل کار و بیکار به چشم می خورد تا اهل تئوری و نظر؛ اما در مورد مطالعه و کتاب خوانی می گوید که مطالعه را دوست دارد و ترجیح می دهد که بیشتر زندگینامه شخصیت های بزرگ تاریخ را بخواند و از آنها درس بگیرد. از وی می خواهیم که پلان های آینده خویش را بسیار کوتاه و در یک جمله به خوانندگان ماهنامه معارف بیان کند. حکیمی می گوید: «اگر کوتاه عرض کنم، برنامه آینده من عبارت است از مبارزه جدی به خاطر حقوق مردم و آرامی و آبادی کشور عزیزم افغانستان!» معارف غور جوانانی بسیاری را در سالهای اخیر به جامعه فرهنگی مان تقدیم کرده است بنشینیم و ببینیم که از میان این نهال های زیبا و این جوانه های نورس چند تا حکیمی ها قد علم می کنند و چند نفر شب و روز برای غور و برای مردم غور فدا کاری می نمایند؟»

گزارش از رویاء

ترقی و پیشرفت یک جامعه به سطح سواد، علم و دانش آن بستگی دارد!

بگو گل تویی تو!

محمد اشرف کریمی استاد موسسه خاتم الانبیاء

بگو کیستی تا سلامت کنم
بگو هستی ام را به نامت کنم
بگو گل تویی تو، و بلبل منم
بگو که تویی شمع و پروانه من
بگو بانوهستی و یوسف منم
بگو لیلی هستی که مجنون شوم
بگو تو مرا خواهی و من تو را
بگو گل به نزد تو شرمنده است
بگو تو چه هستی که من این چنین
بگو قلب من را ربودی چطور؟
بگو صید کردی مرا نازنین!
بگو می شناسی که اشرف کی هست

تمام وجودم فدایت کنم
گرم دوست داری صدایت کنم
بیابین گلها سوایت کنم
بسوزم برایت لقایت کنم
ترا من طلب از خدایت کنم
بیا قلب خود را به پایت کنم
بیا همچو مرغ هُمایت کنم
بیابین گل بر ملایت کنم
به هر حال و هر جا هوایت کنم
بیا با دلم آشنایت کنم
بیا همچو خود بینوایت کنم
در آخر همیشه دعایت کنم



زندگینامه شهید گل احمد حریفی

شهید گل احمد حریفی فرزند الحاج ارباب محمد عیسی در سال 1362 در منطقه غلمین مربوط مرکز ولایت در یک خانواده متدین و علم دوست چشم به جهان گشود. شهید گل احمد تا هنگام مساعد شدن زمینه تحصیل رسمی دروس خویش را در مساجد و مدارس دینی به پیش بُرد و سپس با فراهم شدن امکانات تحصیل، در لیسه غلمین شامل گردید. شهید گل احمد متأهل بوده و 5 فرزند که 3 دختر و 2 پسر می باشد از وی به یادگار مانده اند. موصوف بعد از فراغت از لیسه به مدت دو سال به عنوان مامور اداری مکتب غلمین ایفای وظیفه نموده و در کنار آن در تعلیم و تربیه اولاد وطن نیز سهم گرفته و شاگردان لایق و توانایی را به جامعه فرهنگی ما تقدیم داشته است. گل احمد سپس در ریاست انکشاف دهات ولایت غور تا لحظه شهادت مصروف خدمت به مردم و وطن عزیز ما بوده و در سال 1388 به شکل داخل خدمت در دارالمعلمین عالی غور نیز شامل گردیده و با توجه به استعداد سرشار، توانایی های فوق العاده و زحمت کشی های مداومی که داشت توانست مقام اول نمرگی صنف را نیز از آن خود نماید. سرانجام شهید گل احمد به تاریخ 89/9/3 جهت اجرای وظیفه و خدمت به مردم با همکاران خویش به خاطر دیدار از پروژه های انکشافی و بازسازی عازم ولسوالی لعل می شود و هنگام بازگشت در مسیر راه ولسوالی دولتیار - چغچران در منطقه کوتل «شینیه» به تاریخ 6 / 9 / 1389 ساعت یک و پانزده دقیقه بعد از ظهر توسط دشمنان صلح و آرامش مردم افغانستان جام شهادت نوشید.

روحش شاد و یادش گرامی باد!

طریقِ فلاح

الحاج مولوی خطیب شمس الدین یتیم

اعتصام دینِ پاک مصطفی باشد فلاح
اقتدا با سنتِ خیرالورا باشد فلاح
نادی جبل المتین هرروز و شب دارد ندا
عاصی گمکرده ره سویم بیا باشد فلاح
تشنگان معرفت در سنت خیرالبشر
هم عمل هم علم باهم دایما باشد فلاح
جز طریق حق، دگر جمله طرق باطل بود
در صراط المستقیم کسب رضا باشد فلاح
هرمسلمان خود شناسد، هم خدای خویش را
روزِ آخر شافع یوم الجزا باشد فلاح
یا رسول الله به تو چشم امید ماه همه
آبرویت نزد ذات کبریا باشد فلاح
مرغ بسمل، بی قرارم تابینم خواب ازان
تارِ مویش بر یتیم بی نوا باشد فلاح



غلام حیدر یگانه

دل بیتها (1)

(1)
خدا جان، چار بیتهارُ بشرُمن
غزلهای شمس مولانارُ بشرُمن
بگو چیزی که از حسنش نشرمیم
نشرُمن قدرتای خور، مارُ بشرُمن

(2)
دلم از خاکه، خاک پست مایه
ازان آتشفشانهای مست مایه
برم قشلاقُ زلم در قُلف خورشید (1)
که دل طفلمست و هرچه هست مایه

(1) قُلف: گلی چشمه

(3)

دلم سنگ و کلوخ و خار داره
گیل و آب و کلاغ و مار داره
به قورباغه می گه: طاووس آبی
ازی الدنگیها بسیار داره

(4)

عجب پولاد و سنگه آب و گل تو
همه که های خدا گشته خجل تو (1)
تفنگی پُر کنم از شعر حافظ
بگیرم بزمن دم کُرق دل تو (2)

(1) که: کوه

(2) کُرق: چغوری؛ کنایتاً: مرکز اصلی هر چیزی

(5)

اگر عالم بجُمبه، از منی تو
همه ی که ها بُتمبه از منی تو (1)
گپ عاشق، خطِ قسمت نویسه
که هفت آسمنُ بلُمبه از منی تو (2)

(2-1) تُمیدن، تُمیدن: خراب شدن و فرو ریختن

برگرفته از سایت جام غور

نبی ساقی

آب است، کوثر است، شفا هست، پشم تو

دریای بیکرانِ هیا هست، پشم تو

سرشار از طهارت و لبریز از سفن

پون آیه کتاب فرا هست، پشم تو

دور از زمین و شاد و درفشان و آتشین

گویا ستاره های فضا هست، پشم تو

در معبر نگاه تو آورده ایم روی

مهراب مستجاب دعا هست، پشم تو

آن رازهای پشم تو هرگز نکشت فاش

آفر بگو به ما که چه ها هست، پشم تو؟

گویند ساغر است؛ ولی من مخالفم

جام و پیاله نیست، «روا» هست، پشم تو

مغرور و پُر تکبر و بزاز و نازنین!

هرچی که هست، قاتل ما هست، پشم تو!



گزارشی از کارکردهای مدیریت معارف شهری در 6 ماهی که گذشت.

غلام محمد نقشبندی مدیر معارف شهری

طوری که به همگان معلوم است مدیریت معارف شهری در ولایت غور در نیمه سال 1388 با تشکیل اندک در حالی که هیچ نوع امکاناتی در دست نداشت به فعالیت آغاز کرد. باید متذکر شد که به تعداد 242 باب مکتب در مربوطات این مدیریت در سال 1388 فعالیت داشته و در سال 1389 به 270 باب رسیده است. در این مکاتب به تعداد 82358 تن شاگرد از جمله 48698 تن ذکور و به تعداد 33660 تن اناث مشغول آموزش می باشند که توسط 1053 تن معلم از جمله 444 تن معلم رسمی و 609 تن معلم قراردادی دروس شان پیش برده می شود.

مدیریت معارف شهری تمام حقوق و امتیازات مکاتب و پرسونل مربوط خویش را به وقت وزمانش حواله و اجراء کرده و به مستحقین توزیع نموده است. همچنان به مقدار سهمیه برای 82358 تن شاگرد کتب درسی جدید از صنف اول تا صنف دوازدهم از تحویلخانه ریاست معارف اخذ و به مکاتب توزیع گردیده است. هکذا به تعداد 450 کیت شاگرد و 90 کیت معلم از کمک های مؤسسه یونیسیف به این مدیریت از طریق ریاست معارف مواصلت ورزیده که در مکاتب مربوط توزیع شده است. مؤسسه محترم ورلد ویژن در سال جاری از جمله مکاتب مربوط معارف شهری 133 باب را تحت پوشش دارد و برای مدت ده ماه قرار داد نموده که برای سرمعلمین مکاتب متذکره ماهانه مبلغ پنجاه دالر امریکایی و برای 115 تن معلم ماهانه مبلغ سی دالر امریکایی در هفت ماه تادیه نموده است.

مدیریت معارف شهری برای 19594 تن شاگرد ذکور و 15569 تن شاگرد اناث برای یک مرتبه پنج پنج جلد کتابچه، چهار عدد قلم، و به هر شاگرد سه پاکت تابلت ویتامین سی توزیع نموده و به هر معلم مرکز و ولسوالی ها، یک گده کاغذ، پنج قطی تباشیر، دو جلد کتابچه و دو عدد قلم توزیع نموده است. ناگفته نماند که مؤسسه محترم ورلد ویژن به همکاری استادان CIC یک صد و پانزده تن استادان بخش صحت را به مدت هفت روز سمینار داده که برای هر نفر مبلغ 62 دالر امریکایی امتیاز در نظر گرفته و هم در سمینار اداره و منجمنت که به مدت هفت روز دوام نمود به تعداد 150 تن سر معلم مربوط معارف شهری شرکت ورزیده بودند که در اخیر به تمام مشترکین سمینار، تصدیقنامه و امتیازات مادی مانند سایر ورکشاپ (کارگاه) ها در نظر گرفته شده بود. قابل ذکر است که مدیریت معارف شهری تمام مکاتب مربوط مرکز ولایت را تحت پوشش دارد و همان گونه که ذکر شد در نیمه سال 1388 تشکیل یافته است.

فرهنگ چیست؟

در کشور و جامعه ما مفاهیم بسیاری هنوز در یک لفافه و پوشش قرار دارد که معنای واقعی آن برای مردم روشن نیست. اگر کسی از آن استفاده می کند، یا طبق همان برداشت شخصی خودش است، که در این صورت از آن لحاظ که فکر و اندیشه هر انسان دارای صواب و خطا است در بعضی اوقات مشکل آفرین می باشد. یا طبق معنا و مفهومی که بین جامعه عوام سر زبانها پراکنده می شود استفاده می کند که در این صورت نیز از لحاظی که مفاهیم، با بار معنایی غیر واقعی از آن طرف مرز ها گاهی وارد می شود و در ذهن عوام تزریق می گردد مشکل آفرین و خطرناک است. در پوشش بودن اکثر مفاهیم وعدم وجود داشتن تفسیر و توضیح واقعی از آنها سبب شده است که به خصوص نسل جوان که با روحی کاملاً انعطاف پذیر زندگی می کنند آنها را در مجاری غیر طبیعی اش معنا کرده و برداشتهای نادرست از مفاهیم صورت گیرد. مفاهیمی چون فرهنگ، سیاست، عقاید و... از مفاهیم قدیمی دینی ما است که تا هنوز در ساحت همین مفاهیم نیز توضیح و تفسیر درست و واقعی آن به طور شاید و باید برای نسل جوان- که در معرض هزاران آسیب و آفت فکری قرار دارد - ارائه نشده است. مفاهیم جدیدی چون دموکراسی، آزادی، حقوق، جهانی شدن، جامعه جهانی، فرهنگ جهانی، تمدن و... مثل کوزه سربسته ای است که شاید داخلش شربت گوارا باشد یا شاید زهر کشنده؛ یا مثل چهار مغز است که شاید درونش را گند زده باشد و شاید به حالت طبیعی خودش باشد؛ اما مردم با برداشت ظاهری از آنها - که از آن طرف مرزها در فضا پراکنده شده است- به طرف آن هجوم آورده اند. مثلی که آدمهای جامعه ما چون وسایل صوتی دارای دستگاه گیرنده بوده و مفاهیم را از طریق امواج الکترونیکی اخذ می کند در حالی که مفاهیم باید از طریق اندیشه و تفکر گرفته شده، در دستگاه پژوهش وجود انسان تحت کنگاش قرار بگیرد و بعد از پژوهش و پالایش بیرون داده شود. یعنی آنچه را که انسان از بیرون فرا می گیرد آن را باید در درون خودش با عقاید و اندوخته های دینی و فکری خودش در دستگاه عقل تجزیه و تحلیل نماید و بعد عصاره ناب این تجزیه را بیرون دهد. با توجه به مطالب فوق بر آن شدم که در حد توان، این مفاهیم را باز نموده و مطالبی در باره آنها بیرون دهم تا باشد که از این طریق به فرهنگ انسانی، اسلامی و ملی مان کمک کرده و سهمی در پروسه ارتقای جامعه و کشورم گرفته باشم. چون آنچه را که من معتقدم این است که به وجود آمدن یک جامعه به اصطلاح امروزین مترقی و متمدن، یا به اصطلاح فرهنگ دینی ما «مدینه فاضله» در گرو موجودیت نیروی سالم انسانی در آن جامعه است. فکر خلاق می تواند خالق باشد. اندیشه مبتکر می تواند ابتکارات را موجب شود و عقل سلیم می تواند ضامن سلامتی فکری و جسمی جامعه گردد. ابتداء این بحث را از معرفی واژه فرهنگ شروع می کنیم. فرهنگ چیست؟ وجه نقشی در ارتقای جامعه دارد؟ شناخت واژه فرهنگ و حرکت کردن مطابق طرز العمل آن بستگی به شناخت هر چند کلی از فرهنگ دارد، در غیر آن نمی توان مطابق با دستورالعمل و طرز العمل فرهنگ، جهت درست زندگی را تعقیب کرد. منظومه های گوناگون به عنوان تعریف برای واژه فرهنگ در محافل مختلف سر زبانها پراکنده می شود. هر کس طبق برداشت و شناخت خود از فرهنگ و مسایل فرهنگی به منظومه سازی می پردازد و سطر یاسطوری را به عنوان تعریف از این سوره ارائه می کند. به تعاریف ذیل دقت نمایید:

حکیم ابوالقاسم فردوسی در شاهنامه فرهنگ را به معنای علم و دانش و نیک مردی و مترادف به خصایل اخلاقی دانسته است:

زدانا بپرسید پس دادگر / که فرهنگ بهتر بود یا هنر؟

چنین داد پاسخ بدو رهنمون / که فرهنگ باشد ز گوهر فزون

که فرهنگ آرایش جان بود / ز گوهر سخن گفتن آسان بود

گهر بی هنر خوار و زار است و سست / به فرهنگ باشد روان تندرست

در مقایسه که حکیم ابوالقاسم فردوسی بین فرهنگ و هنر برقرار می کند نتیجه می گیرد که «فرهنگ آرایش جان بود» و «به فرهنگ باشد روان تندرست» در یکی از متون کهن پهلوی نیز فرهنگ به معنای علم و دانش و دانایی آمده است، چنانکه نوشته شده: «به خواستاری فرهنگ کوشا باشید، چه فرهنگ تخم دانش است و بر آن خرد است و خرد آرایش دو جهان است و در باره آن گفته اند که فرهنگ اندر فراخی پیرایه، اندر سختی نگهبان، اندر مصیبت دستگیر، و اندر تنگی پیشه است»

دو تا تعریف فوق فرهنگ را آن گونه که مشاهده کردید به معنای خرد و دانش می داند. تعدادی از تعاریف دیگر، فرهنگ را به معنای مجموعه حرکات، فعالیت ها، اخلاق، رفتار و... می داند. «فرهنگ مجموعه از اندیشه ها، باور ها، ارزش ها و آداب و رسوم و عنعنات اجتماعی و سایر اندوخته های مادی و معنوی و حرفی و علمی و حروفی یک جامعه است.»

ژرژ بالانیه، جامعه شناس فرانسوی می گوید: «فرهنگ مجموعه بی نظم و در عین حال منظمی است از دانسته ها و دانستنی ها، مجموعه ابداعات یک جامعه، انگیزه و واسطه بقا است، رمز جان به در بردن هر ملت از مهلکه است.»

کیلارک وسلر می گوید: «فرهنگ عبارت است از کلیه مظاهر و شئون حیات یک ملت.»

ساموئل، استاد کالج بروکلین آمریکا معتقد است: «فرهنگ مجموعه مساعی بشر جهت تطابق با محیط و اصلاح امور زندگی است.» «فرهنگ عامل توحید بخش ارزشهای اجتماعی است و نوعی یگانگی به ارزشها می دهد.» «فرهنگ نظم بخش رفتار انسان است.» «فرهنگ تقویت کننده همکاری و روابط میان افراد است.»

آنچه را که با مرور به تعاریف فوق می توان نتیجه گرفت این است که فرهنگ مجموعه منظمی است از آموخته ها و اندوخته های علمی، فراورده های فکری، مصنوعات و تجارب بشری و عامل همبستگی افراد جامعه نسبت به هم و شاخص ممیز انسان از حیوان، و به عبارت خلاصه تر: میراث مشترک معنوی و مادی یک جامعه است. خوانندگان گرامی دنباله این مقاله را در شماره های بعدی بخوانید.

سید علی صدر مسوول سازمان فرهنگی اجتماعی بصیرت

یاد مان باشد که رشوت حرام است

محمد ابراهیم مدیر نظارت تعلیمی و تربیتی معارف

رشوت آن پول و یا جنسی است که به حاکم، کارمند و یا کس دیگری که کاری انجام می دهد داده شود تا به نفع صاحب پول و ضرر طرف مقابل واقع گردد و یا کار را به جلو کشانیده و طرف دیگر را ضربه بزند. رشوت دادن و رشوت گرفتن علاوه از اینکه ظلم به حق دیگران است، مایه فراهم سازی زمینه فساد، روحیه پول پرستی در اجرای وظایف، بی نظمی، اختلاف، جدال، ذلت و بی آبرویی را در اداره و جامعه به وجود می آورد که افراد مبتلا به این پدیده شوم از دیدگاه اسلام و قرآن گنهکار بوده و عذاب سخت اخروی در انتظار وی می باشد. چنانچه خداوند (ج) فرموده است: «مال یکدیگر را به ناحق نخورید و آن را به حکام ندهید تا قسمتی از مال مردم را به ناحق نخورند در حالی که شما به گناه آن آگاه می باشید» باید دانست که هیچگاه حرام به حیل و نیرنگ حلال نمی شود. داد و ستد رشوه زیر هر نامی که باشد حرام بوده و تغییر نام آن را از حرام بودن خارج نمی سازد، قسمی که اکنون مروج گردیده که به نام هدیه و شیرینی رشوت را نوش جان می کنند درحالی که عذاب مکر و حیل با هم بسیار سنگین می باشد. پس برادران مسلمان! حیل جایی را نمی گیرد. حقیقت را از عمر بن عبدالعزیز بشنوید که در وقت خلافتش به او هدیه آورده شد؛ اما قبول نکرد. به او گفتند پیامبر هدیه را قبول می کرد. عمر در جواب گفت: برای پیامبر هدیه بود، اما برای ما رشوت است. پس چه کسی از عمر بن عبدالعزیز بهتر است که هدیه های هنگفت ارسالی را همراه با اهداف خاص پشت پرده حیف و میل کرده و به جیب خود می زند؟ روزی خواهد رسید که تو جنساً حیف و میل حشرات شده تک و تنها به کیسه تنگ و تاریک زمین پنهانی خواهی شد؛ اما غیر از اعمال صالحه دیگر توشه نخواهی داشت. پس از خداوند بترس. خوب می دانی که نسبت به افراد عادی جامعه تنها تو هستی که در بین طوفان هدایا و تحایف قرار می گیری و گرنه همه مثل تو هستند چرا به آنها کسی هدیه نمی برد؟ برادر مسلمان! به این قصه توجه کرده ای که یک وقت پیامبر ماموری را به قبیله «ازد» غرض اخذ مالیات فرستاد ولی آن مامور بعد از برگشت قسمتی از اموال را به خود جمع کرده بود. پیامبر پرسید اینها چه هست؟ وی گفت اینها هدیه است که به شخص من داده شده است. پیامبر با خشم برایش گفت: وای به حالت. چرا در خانه مادرت نمی نشینی تا برایت هدیه بیاورند اگر راست می گویی؟ بنا به تأکید اسلام هر کس ولو که در هر مرتبه و منزلتی قرار دارد اضافه از حقوق و امتیازاتی که قانون برایش داده اگر از دیگر منابع تحت هر نامی که استفاده کند ناجایز بوده و سرانجام عذاب خداوندی را در پی خواهد داشت.

صاحب امتیاز: ریاست معارف غور

مدیر مسئول: نبی ساقی

سردبیر: نجیب الله احسان

گزارشگر: رویاء

برگ آرای: خان محمد سیلاب

عکس: احمد غفوری

تیراژ: 2000 شماره

نایب: حکمت الله

آدرس الکترونیکی: n.saqee@gmail.com

گروه نویسندگان: الحاج غلام سخی حبیبی، محمد نصیر

نصرت، غلام محمد نقشبندی، محمد ابراهیم خلیلی و

میرزا گل اکرمی.

آدرس دفتر: ریاست معارف غور- مدیریت نشرات.

تلفون: 0799301212

0797075195